

ما رسانند. در گام اول ما و تعدادی از مجموعه پرسنل صنعت مس در آنجا بودیم. کار را با این جمع محدود شروع کردیم اما بلافاصله حادثه را اعلام کردیم. حقیقتاً زمان برد تا تیم‌های امدادی به منطقه برسند. در تصاویر دیدید که واقعاً چشم، چشم رانمی دید و حتی پیش پای خودمان رانمی دیدیم. اینها مربوط به دوسه ساعت بعد از آن حادثه بود که شرایط جوی کاملاً تغییر کرد.

چرا با وجود شرایط جوی نامساعد، پرواز انجام شد؟ آیا پیش بینی‌های هواشناسی این وضعیت را نشان نداده بودند؟ اگر چنین بود، چرا خلبان تصمیم به پرواز گرفت؟ این پرسش‌ها در ذهن بسیاری از مردم مطرح است، اما شما اشاره کردید که شرایط جوی مساعد بوده است.

به هر حال من متخصص هواشناسی و شرایط عمومی پرواز نیستم و نمی‌دانم استانداردهای آب و هوایی برای پرواز چیست؛ اما از روی آنچه که به رای‌العین دیدم و به دلیل تجربه سفرهای مکرر پروازی و بالگردی فراوان، به عنوان یک شاهد صحنه، در پرواز از تبریز به آق بند و از آنجا به سد قیز قلعه سی و مسیر برگشت، شرایط را عادی دیدم. فقط در یک منطقه مشخص، یک لکه کاملاً محدود، بالای دره‌ای که در مسیر ما بود، وضعیت توده ابر این شکلی را مشاهده کردیم، اما اینکه آیا همین مقدار عامل بازدارندگی است و نایبستی پرواز انجام بشود یا باید بشود، باید صاحب نظران و گروه‌های متخصص نظر بدهند. من صرفاً آنچه را که در آنجا مشاهده کردم، روایت کردم، اما نمی‌توانم نظر کارشناسی بدهم.

با توجه به اینکه در سفرهای VIP و پروازهای رئیس‌جمهور استانداردها به طور کامل رعایت می‌شوند و شخص رئیس‌جمهور نیز به این موارد پایبند بودند، لطفاً توضیح دهید که در مواقعی که شرایط آب و هوایی تغییر می‌کرد و احتمال خطر وجود داشت، چه ملاحظاتی در تصمیم‌گیری برای ادامه پرواز یا بازگشت به صورت زمینی در نظر گرفته می‌شد؟

استانداردها حتماً رعایت می‌شوند. علاوه بر آن خود رئیس‌جمهور شهید ما بیش از دیگران مقید به قوانین بودند. بارها اتفاق افتاده بود که در مسیرهای پروازی‌ای که داشتیم، شرایط آب و هوایی تغییر می‌کرد و تردید حاصل می‌شد که آیا پرواز بعدی ایمن خواهد بود یا نه. حداقل خود من مکرر به خاطر دارم که در سفرهای مختلف با تغییر شرایط آب و هوایی مواجه شدیم و تردید در اینکه آیا بایستی ادامه مسیر داد یا نه و آیا باید زمینی یا هوایی برگردیم. آقای رئیس‌جمهور به تیم و مهندسی پرواز می‌گفتند آنچه که مقررات حکم می‌کند انجام دهید. این طور نبود که ایشان امر کنند که این کار انجام بشود یا نشود. ایشان می‌گفتند اگر ضوابط و مقررات اجازه می‌دهند، انجام بشود. حتی اگر کار و مأموریت مهمی داشتند، زمینی برمی‌گشتند. همین اواخر ایشان برای انتخابات مجلس خبرگان، یک سفر شخصی به خراسان جنوبی داشتند و با پرواز عمومی رفتند. موقع برگشت شرایط آب و هوایی آنجا به هم خورد و پروازها لغو شدند. ایشان چون کار داشتند، شبانه زمینی از بیرجند به مشهد تشریف آوردند و از مشهد با پرواز به تهران برگشتند. اگر کار ضروری و مأموریتی مهم داشتند، این گونه نبود که روی حرفشان اصرار کنند.

در مورد روایت حادثه نکته‌ای باقی مانده است که بفرمائید.

نکته باقیمانده این است که واقعاً تلاش گسترده‌ای شد. مجموعه نیروهای امدادی، هلال احمر، بسیج، سپاه، نیروهای مردمی، همه و همه تا دل شب، با موتور برق، نورافکن و تجهیزات، به‌رغم سختی، تلاش بسیار زیادی کردند. شرایط به‌گونه‌ای بود که دسترسی به نقطه حادثه بسیار دشوار بود. تلاش مجدانه‌ای انجام شد. من به عنوان یک خدمتگزار از همه زحمتکشانی که در آن شرایط جوی بسیار نامناسبی که بعد از آن حادثه در آن منطقه عارض شد، تلاش کردند و زحمت کشیدند، تشکر می‌کنم. واقعاً زحمات زیادی کشیده شد. من تمام وقت تا پیدا شدن هلیکوپتر و پیدا شدن اجساد مطهر

شهدا در آنجا بودم. هم تلاش کردیم و هم شاهد تلاش نیروهای امدادگر و نیروهای جستجو بودیم. زمان برد، اما شرایط به‌گونه‌ای بود که بیش از این امکان جستجوی بیشتر نبود. مشخص شد تنها کسی که پس از حادثه برای زمان محدودی در قید حیات بوده، آیت‌الله آل هاشم بوده و بقیه، بر اساس اوضاع و احوالی که در محل حادثه مشاهده شد، حاکی از این بود که آنها بلافاصله پس از حادثه به شهادت رسیدند.

شما تجربه‌های نزدیک و طولانی مدتی با شهید آیت‌الله رئیسی داشته‌اید، می‌توانید از این رفاقت و تأثیرش بر زندگی خودتان را بگویید؟

دوره رفاقت من با آقای رئیسی یک دوره سی ساله است. من پانزده سال از این سی سال را در مشهد بودم و ایشان در تهران بودند، اما ارتباطات و همکاری وجود داشت و عنایتی به حقیر داشتند و پانزده سال نیز در تهران بودم. در این پانزده سال ارتباطاتمان نزدیک‌تر و روزانه و مستمر بود. در هفت سال اخیر شبانه‌روز در خدمتشان بودم. در دوره ریاست ایشان بر قوه قضائیه و بعد هم در دفتر رئیس‌جمهور در کنار ایشان کار می‌کردم. این مدت را شبانه‌روز با هم زندگی کردیم. شاید در طول شبانه‌روز حداکثر پنج ساعت از ایشان جدا بودم و ۱۸،۱۹ ساعت را در جوار او بودم. توفیق داشتم که هم با ایشان زندگی کنم و از ایشان درس بیاموزم و هم بر اساس الگوهای رفتاری‌ای که مد نظرشان بود، به مردم و جامعه خدمت کنم.

شهید آیت‌الله رئیسی شخصیتی با ارزش و منحصر به فرد بودند. آیا می‌توانید یک مثال واقعی از رویارویی یا تصمیمی که نشان‌دهنده این دو ویژگی برجسته ایشان، یعنی جهاد در راه خدا و خدمت به مردم، باشد، به اشتراک بگذارید.

ایشان ویژگی‌های متعددی داشتند که در بسیاری از آنها کم‌نظیر بودند. اما اگر بخواهم در بین همه اینها دو ویژگی برجسته را با یکدیگر تلفیق کنم، می‌گویم یک مجاهد مردمی. بعضی‌ها مجاهد هستند، ولی فقط خدا را می‌بینند و چندان به مردم توجه ندارند. گرچه کسی که خدا را می‌بیند، باید مردم را ببیند. ایشان یک مجاهد به تمام معنا بود و کار را جهادی انجام می‌داد. کار عادی و معمولی را مطلقاً قبول نداشت. کار با سبک و سیاق و لختی اداری را مطلقاً نمی‌پسندید. عقیده داشت که کار باید جهادی باشد و آنچه که در حد اعلا‌ی جهاد می‌توانیم تبیین کنیم. یعنی کار مستمر شبانه‌روزی حداکثری با استفاده از تمام توان و ظرفیت‌های موجود بدون خستگی. کار را این گونه باید انجام داد. این مملکت و این حوزه مسئولیت را نمی‌شود با کار عادی اداره کرد. اما این کار برای مردم و در خدمت مردم باید باشد. ایشان فوق‌العاده دغدغه مردم را داشت. لحظه‌ای مردم را فراموش نمی‌کرد و هیچ کاری را که بهره و ثمره‌ای برای مردم نداشت، انجام نمی‌داد. می‌گفت ببینید امروز نیاز مردم چیست. مسائل اقتصادی اقتضا می‌کند که ارز ترجیحی حذف بشود. آیا به نفع مردم است؟ کارشناسان می‌گفتند: بله، ولی به نفع خودتان نیست و برای دولت اتفاقاتی می‌افتد. می‌گفتند: مهم نیست که برای من آورده دارد یا ندارد. مردم را در نظر بگیرید و آنچه را که برای مردم لازم هست انجام بدهید. البته در کنار اینها به کار برای خدا و با اخلاص تمام به جد معتقد بود. بارها و بارها و بارها، شاید صد بار، برای نصیحت به من و دیگران و در جلسات روی این نکته تأکید می‌کردند.

از دیگر ویژگی‌های ایشان بگویید.

در سفرهای استانی، نامه‌های مردم را که جمع‌آوری می‌کردیم، ایشان بارها و بارها گوشزد می‌کرد که اینها امانت مردم است. به اینها بی‌توجهی نشود. مردم، مردم، مردم! فدائی مردم بود و فدای مردم شد. جمع‌بندی ایشان این بود که برای این مردم و این کشور و این سرزمین باید در منطقه مأموریت حضور پیدا کند. سد قیز قلعه سی برای مردم استان اردبیل و مردم استان آذربایجان شرقی نعمت است و از برکات این سد بهره‌مند خواهند شد. اراضی زیادی از این سد مشروب می‌شوند.

هم آب شرب و هم آب کشاورزی منطقه تأمین می‌شود، هم این سد به بهبود شرایط محیط زیست کمک می‌کند. ایشان برای پروژه آق بند که بعداً به برنامه اضافه شد که بازدید داشته باشیم، دغدغه داشت. از زمانی که در مورد پروژه آق بند، بین ایشان و رئیس‌جمهور محترم آذربایجان مذاکره شد، مستمراً پیگیری می‌کرد که چه شد؟ کار به کجا رسید؟ در مسیری که داشتیم می‌رفتیم، ایشان گفت برویم و آق بند را هم ببینیم که کار تا کجا رسیده است. در پروژه‌های نیمه تمامی که برای افتتاح می‌رفتیم، ایشان می‌گفت پروژه را تمام کنید تا به درد مردم بخورد. مهم نیست که بگویند مال این دولت یا آن دولت یا این رئیس‌جمهور یا آن رئیس‌جمهور یا این استاندار یا آن استاندار است. نیاز مردم را برطرف کنید. پروژه‌های نیمه تمام را با رویکرد باز کردن گره از کار مردم انجام می‌داد. اصلاً چیزی غیر از مردم را نمی‌دید و البته مردم را آئینه جمال خدای متعال و عیال و خانواده و خلق خدای متعال می‌دانست و می‌گفت: باید برای خدا به این مردم خدمت کرد.

در طول تاریخ انقلاب اسلامی، خون شهدا همواره به عنوان سرمایه‌ای ملی و اجتماعی، موجب ایجاد وقایع، اتحاد، و همدلی شده است. به نظر شما پس از شهادت آیت‌الله رئیسی، چه مسیری را پیش رو خواهیم داشت و چگونه می‌توانیم از این مسیر گذر کنیم و ادامه دهیم؟

ما در این کشور و در تاریخ ایران و در تاریخ اسلام، سختی‌ها و مصائب و شرایط دشواری را دیده‌ایم که در هر کدام، در مرحله اول چنین به نظر می‌رسید که کار برای ادامه مسیر سخت شده است. در فاجعه هفتم تیر، در شهادت شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی و یارانشان، کار به جایی رسید که مجلس به دلیل از دست رفتن بسیاری از نمایندگانش به رسمیت نمی‌رسید و نمایندگان مجروح با همان وضعیت به مجلس رفتند یا برده شدند که نصاب رسمیت در مجلس پیدا شود.

ما آذربایجان و تبریز قهرمان را دیدیم. چه بسا بسیاری از کسانی که در آذربایجان و تبریز در این مانور و



رئیس عزیز
ویژه‌نامه چهلمین روز
عروج شهدای خدمت